

از آن همه دیروز / بازخوانی تاریخ

آتشی که از ایران آمده بود



محمد غفاری مشهور به کمال‌الملک در سال ۱۲۲۷ هجری شمسی به دنیا آمد. دوران کودکی را در روستایی نزدیک کاشان در میان خانواده‌ای هنردوست و اهل فرهنگ گذراند. محمد در دوازده سالگی به تهران آمد و در مدرسه دارالفنون مشغول به تحصیل شد. پس از مدتی پیشرفت کرد و موفق به دریافت نشان علمی شد. با کشیدن تصویر مدیر مدرسه، نظر ناصرالدین شاه را به خود جلب کرد و در ۱۲۶۱ هجری شمسی به نقاش‌باشی ملقب شد. او در سال ۱۲۶۹ هجری قمری از طرف ناصرالدین ملقب به کمال‌الملک شد.

پس از کشته‌شدن ناصرالدین‌شاه برای مطالعه و کسب تجربه به اروپا سفر کرد و بیش از سه سال را در فلورانس، رم و پاریس گذراند و در موزه‌ها به یکی آثار استادانی چون رافائل، رامبراند و تیسسن پرداخت. در پاریس با فانتن لاتور استاد نقاشی موزه لوور آشنا شد. لاتور در معرفی کمال‌الملک به شاگردانش گفته بود: «مواظب باشید! این آتش از ایران آمده است؛ از تابش و حرارت آن بهره بگیرید.»

در دوران مظفرالدین‌شاه به ایران آمد و پس از آن برای مدتی در کر بلا و بغداد ساکن شد. پس از برقراری مشروطه، کمال‌الملک به آرزوی دیرینه خود ـ تأسیس مدرسه صنایع مستظرفه ـ جامه عمل پوشاند. تا سال ۱۳۰۷ اداره این مدرسه را بر عهده داشت، ولی از این زمان به علت اختلاف با مجریان اداره معارف، مدرسه را ترک کرد. کمال‌الملک ۲۷ مرداد ۱۳۱۹ هجری شمسی در سن ۹۵سالگی درگذشت و در باغ آرامگاه عطار نیشابوری به خاک سپرده شد.

خودزنی / محیط‌زیست

خرس گریزلی مادر بالاخره اعدام شد

چندی پیش جسد انسانی در پارک یلوستون آمریکا پیدا شد. پلیس پس از تحقیقات متوجه شد این مرد به نام لانس کراسبی توسط یک خرس گریزلی ماده کشته شده است. پس از آن تله‌هایی در آن منطقه قرار دادند تا این خرس را پیدا کنند و به شکلی بدون درد او را بکشند.

چند روز پیش خرسی در تله افتاد و پس از انجام آزمایش دی‌ان‌ای تایید شد که این خرس ۱۵ سالهٔ ۱۲۰ کیلوگرمی آقای کراسبی را کشته است. علی‌رغم تماس‌های زیادی که با مسئولان پارک گرفته شد تا خرس بخشده شود، این خرس کشته شد.

به نوشته تلگراف، این خرس ۲ توله داشت که الان به یک باغ وحش منتقل شده‌اند.

مخالفان کشته شدن این خرس می‌گویند او فقط داشته از توله‌هایش مراقبت می‌کرده، اگرچه سخنگوی پارک در این باره گفت: خرس قسمتی از جسد را خورده است که اصلا کاری برای دفاع از توله‌هایش نبوده، اگر خرسی از یک انسان تغذیه کنند، زنده ماندنش بسیار خطرناک است، توله‌هایش نیز از انسان تغذیه کرده‌اند برای همین به باغ وحشی فرستاده می‌شوند تا بفهمند انسان غذا نیست. حدود ۷۵۰ خرس گریزلی در پارک یلوستون وجود دارد. این درحالی است که در ۱۰۰ سال گذشته، خرس‌ها ۸ نفر را در این پارک کشته‌اند. سرپرست این پارک ملی گفته است: برای ما هم جمعیت خرس‌ها مهم است و هم امنیت مردم. در سال ۲۰۱۱ نیز خرسی به یک کوهنورد حمله کرده بود. اما او را نکشتند چون مشخص شد از توله‌اش مراقبت کرده است، اما هفته‌ها بعد همین خرس به یک نفر دیگر حمله کرد. گفته می‌شود این پارک به همه بازدیدکننده‌ها پیشنهاد می‌دهد اسپری خرس همراه داشته باشند، اما کراسبی به این پیشنهاد گوش نکرده بود. بازدیدکنندگان زیادی هر سال به این پارک می‌روند و طبق محاسبات از هر ۲/۸ میلیون نفر ۱ نفر توسط خرس کشته می‌شود.

مدت‌هاست درباره انتقام‌گیری انسان‌ها از حیوانات بحث وجود دارد. منتقدان می‌گویند کشتن حیواناتی که به انسان آسیب زده‌اند ممکن است باعث تشدید خشونت و دشمنی‌های حیوانات نسبت به انسان‌ها شود و جمعیت حیوانات کم شود.

اما موافقان نظر عکس دارند: آنها معتقدند اینکه حیوانات به انسان آسیب برسانند و با واکنش از سوی انسان مواجه‌نشوند، باعث می‌شود دفعات بیشتری به انسان حمله کنند. انجمن‌های زیست‌محیطی می‌گویند در بیشتر مواقع حیوانات برای دفاع و نه برای غذا خوردن به انسان‌ها حمله می‌کنند. در واقع اشتباه از طرف مردم است که به حیوانات حمله می‌کنند. طرفداران حیات وحش پیشنهاد داده‌اند قبل از کشتن حیواناتی که به انسان آسیب زده‌اند باید بررسی شود که آیا این اتفاق دوباره خواهد افتاد یا نه و باید دید حیوان برای تغذیه به انسان حمله کرده یا به خاطر دفاع از خود و توله‌هایش.

گفتنی است پارک ملی یلوستون در ۱ مارس ۱۸۷۲ از سوی کنگره ایالات متحده آمریکا و به عنوان یک پارک ملی در ایالت وایومینگ بنا نهاده شد و سپس در ایالت‌های مونتانا و آیداهو گسترش یافت. این پارک نخستین پارک ملی جهان محسوب می‌شود و شهرتش را مدیون حیات وحش و ویژگی‌های انرژی زمین‌گرمایی خود و به خصوص آبشارنالدیفیفتول است.



فارسی را پاس بداریم

امداد و انسداد و الباقی ماجرا

همین که از تونل رسالت بیرون زدیم چشمم به این نوشته افتاد: «امداد و انسداد تونل». این عبارت را روی بدنه خودروی امداد نوشته بودند. در یک مسیر چند کیلومتری در بزرگراه رسالت با این خودرو هم‌مسیر بودیم. چشم از نوشته برنی‌داشتم و مدام با خودم تکرار می‌کردم: امداد و انسداد تونل، امداد و انسداد تونل. امداد و انسداد تونل…

این عبارت را با خودم زم‌زمه می‌کردم و می‌پرسیدم: یعنی چه؟ یعنی این خودرو، هم به تونل امداد می‌رساند و هم سبب انسداد آن می‌شود؟ باور بفرمایید از دیدن این عبارت چنان انقلابی در وجودم رخ داده بود که هم‌راهانم بیم از دست رفتنم را داشتند چراکه می‌دیدند ذکر امداد و انسداد تونل از لیم نمی‌افتد.

انتظار ندارم کسانی که در امداد رسانی به اتومبیل‌های در تونل مانده دستی دارند، از زبان فارسی هم سر در بیاورند. اما واقعا گذاشتن یک «به» ناقابل به جای حرف ربط «و» تا این حد مشکل است؟ واقعا به عقلشان نرسیده‌بویسند «امداد رسانی به انسداد تونل». و اصلا چرا حتما باید کلمه انسداد

نان داغ کباب داغ / تازه‌های نشر

از «نون نوشتن» تا «میم و آن دیگران»

به بهانه چاپ سوم آخرین اثر محمود دولت‌آبادی

امین علی اکبری - «میم و آن دیگران» عنوان آخرین کتاب منتشرشده از محمود دولت‌آبادی است که مجموعه‌ای ست از یادداشت‌های او در مورد تعدادی از بزرگان ادب و هنر، یادداشت‌هایی که گاه خاطره‌ای هستند بر جای‌مانده از این بزرگان در ذهن دولت‌آبادی، گاه شرح دیداری هر چند کوتاه و مختصر، گاه نقد و نظری بر اثری از ایشان و گاه ارائه مباحثی نظری در حیطه ادبیات، ذیل نام ایشان ! در واقع می‌توان «میم و آن دیگران» را مجموعه‌ای به‌هم‌ریخته و نامرتب از یادداشت‌های نگاشته‌شده در سال‌هایی دور و نزدیک به شمار آورد که متأسفانه ذیل هیچ‌کدام، تاریخ دقیق نگارش قید نشده و ذهن مخاطب مدام درگیر رمزگشایی از حدود زمانی نگارش این مطالب است. مسئله‌ای که برآئم داشت تا از واژه‌ی «به‌هم‌ریخته» و «نامرتب» استفاده کنم، گوناگونی قالب یادداشت‌ها بود، بی‌هیچ ذکر توضیح و اشاره‌ای به مناسبت نگارش. در این میان با چند نوع یادداشت مواجهیم، یک‌دسته، یادداشت‌هایی که صرفاً «خاطره‌نگاری»‌اند و بیان نویسنده‌اند در باره ارتباط و برخوردی که با افراد مختلف داشته، که اتفاقاً پخش جذاب اثر را هم تشکیل می‌دهند، به طور مثال مطلب مربوط به هوشنگ گلشیری از این دست است و یکی از خواندنی‌ترین مطالب این مجموعه، چرا که مخاطب را در چند روز آخر عمر گلشیری، بر بالینش می‌برد و شرحی تلخ و غمناک از مصائب روزهای پایانی زندگی نویسنده شازده احتجاج ارائه می‌دهد. دسته دیگر یادداشت‌هایی هستند که یا مانند یادداشتی در مورد عبدالحسین نوشین بخشی از یک مجموعه‌مقالات در حول نوشین بوده که در کنار مطالبی از سایرین، کتابی را شکل می‌داده، یا مانند یادداشتی در باره رضا براهنی که پیامی ست که از سوی دولت‌آبادی فرستاده شده به همایشی در کشور کانادا در بزرگداشت براهنی و… اما ناهمخوانی و ناهمگونی از این جهت است که نویسنده هیچ اشاره‌ای در هیچ‌کجای این

گردش روزگار برعکس است



آه اگر آزادی سرودی می‌خواند/ کوچک، همچون گلوگاه پرنده‌ای /هیچ کجا دیواری فرور یخته بر جای نمی‌ماند… (احمد شاملو) طرح: «پنگ گویی بو» از چین

با کاروان حله / اخبار هنر

جن‌ها راوی قتل امیر نظام می‌شوند



نمایش «فین به روایت جن‌جین» به کارگردانی ابوالفضل حاجی علیخانی در بخش صحنه‌ای هفدهمین جشنواره نمایش‌های آیینی و سنتی روی صحنه می‌رود. حاجی علیخانی نویسنده و کارگردان نمایش «فین به روایت جن‌جین» که در بخش صحنه‌ای هفدهمین جشنواره نمایش‌های آیینی و سنتی حضور دارد، به خبرنگار هنر آنلاین گفت: همیشه به دنبال فرصتی بودم که داستان زندگی امیر کبیر را اجرا کنم و این بخاطر ارادتی است که به‌وی دارم. البته نویسندگان دیگر بارها به امیر کبیر پرداخته‌اند که در اکثر آنها رویکردی ترازیک دیده می‌شود، من تصمیم گرفتم از همه این روایات فاصله بگیرم و برای اینکه از تاثیرگذاری بیشتری برخوردار باشم به سمت کمدی سیاه رفتم. این بازیگر تئاتر ادامه داد: نمایش «فین به روایت جن‌جین» به تلاش چند جن می‌پردازد که در روز قتل امیرکبیر شاهد ماجرا هستند و قصد دارند ریز اتفاقات و ماجراهای فاش‌نشده آن واقعه را به نمایش بگذارند و چون قابل دید نیستند به دنبال چند انسان رفته و با ارتباط برقرار کردن با آنها گفته‌های این اتفاق شوم در تاریخ را بازسازی می‌کنند. وی افزود: چون نمایش ایرانی را یادگرفته‌ام و همیشه اولین انتخابم نیز بوده، «فین به روایت جن‌جین» را در شکل نمایش‌های ایرانی برای اجرا تنظیم و تمرین کردم. من در این نمایش به ظاهر شاد از رقص و ترانه‌خوانی، سیاه‌بازی و تخت‌حوضی استفاده کرده‌ام. من از تکنیک‌های دیگر گونه‌های نمایش ایرانی هم استفاده کردم تا ۱۰۰ دقیقه نمایش باعث به وجود آمدن رخوت در تماشاگر نشود.

کشته‌ی تیغ جفایت دل درویش من است
خسته‌ی تیر بلایت جگر ریش من است
هر گروهی بگزد پندند به عالم دینی
عاشقی دین من و بی‌خبری کیش من است…
(امیر خسرو دهلوی، قرن هفتم، غزلیات)

سوت پایان

| اوقات شرعی: اذان صبح: ۵:۴۰ | اذان ظهر ۱۲:۳۰ | غروب آفتاب: ۱۹:۲۰ | اذان مغرب: ۱۵:۲۰ |

یادداشت‌ها به نفسِ هدَفِ چِنِش اینگونه‌ی این مطالب، موقعیت کارپردی‌شان یا حتی زمان‌بندی نگارش آنها نکرده است و مخاطب هر بار از قالبی به قالب دیگری می‌رسد و تلاش می‌کند با مکتبی کوتاه، به هضم قالب‌قبلی در ذهنش کمک کند. نکته‌ی مهمی که فراتر از نقش و اثر دولت‌آبادی به عنوان نویسنده، قابل بحث است این است که چه اتفاقی می‌افتد که یک نویسنده‌ی تماماً حرفه‌ای به مانند دولت‌آبادی، در طول ده سال هیچ اثری داستانی‌ای را از خود در بازار نشر نمی‌بیند و روی می‌آورد به چاپ یادداشت‌های شخصی و خاطره‌نگاری‌هایش؟ ضمن اینکه بر این عقیده‌ام که تفاوت میان اثری مانند «نون نوشتن» با اثری مثل «میم و آن دیگران» در نتیجه و اثرگذاری، از زمین تا آسمان است، چرا که در مورد اول، مخاطب با یادداشت‌های شخصی و دست‌نخورده‌ی نویسنده‌ای

بزرگ و محبوب مواجه است که در واقع آنه‌ای ست تمام‌قد از سبِزِ کاری او و مسیر طی‌شده پربیش و خمی که او را تبدیل کرده به نویسنده‌ای بزرگ، پس یک مخاطب مشتاق و جدی می‌تواند از این اثر به عنوان یک نقشه‌ی راه بهره‌برد و احوالات نویسنده را در هنگام نگارش مهمترین آثار کارنامه‌اش نیز مورد بررسی قرار دهد. اما در مورد «میم و آن دیگران» این اتفاق نمی‌افتد و مخاطب فقط با چند یادداشت مواجه است که صرفاً جذایت‌شان در خاطره‌گوئگی‌شان است و اینکه به قلم نویسنده بزرگی چون دولت‌آبادی به رشته تحریر در آمده‌اند. اما به راستی «میم و آن دیگران» در کجای ادبیات ما قرار خواهد گرفت؟ «نون نوشتن» در کجا؟…

«دنگ شو» در برج میلاد به صحنه می‌رود



به گزارش هنرآنلاین به نقل از دفتر موسیقی، واحد نظارت و ارزشیابی این دفتر، مجوز اجرای صحنه‌ای برای گروه موسیقی پی‌آپ «موج» به سرپرستی و خوانندگی هومن بختیاری را صادر کرد. این کنسرت ۱۹ و ۲۰ شهریور ماه در یک سانس (ساعت ۲۱) در سالن اصلی فرهنگسرای نیاوران برگزار خواهد شد. هومن بختیاری در این کنسرت قطعاتی چون سرسپرده، بهار و ماهیگیر را اجرا خواهد کرد. بر

اساس همین گزارش مجوز کنسرت برای گروه موسیقی ایرانی «ارکستر مجلسی چکاوک» صادر شده است. این کنسرت ۱۱ تا ۱۲ شهریور در یک سانس (۳۰:۲۱) در محل تالار وحدت برگزار خواهد شد. این گروه در این کنسرت قطعاتی چون بی‌پناه، گلیونه‌ها، ساقی دگر، و دو سه شهرا اجرا خواهند کرد. در ادامه این گزارش آمده است مجوز کنسرت موسیقی کلاسیک برای گروه «زروان» به سرپرستی نرگس فلاح‌پسند صادر شده است. این اجرا در روز ۲۷ مرداد در یک سانس (۳۰:۲۰) و در محل تالار رودکی برگزار خواهد شد.

در خانمه این گزارش آمده است مجوز برای گروه موسیقی تلفیقی «دنگ شو» به سرپرستی و خوانندگی طاها شجاع نوری صادر شده است. این کنسرت که در روز شوم شهریور ماه در دو سانس ۳۰:۱۹ تا ۲۰:۱۰ و ۳۰:۳۰ تا ۲۱:۳۰ در سالن اصلی مرکز همایش‌های بین‌المللی برج میلاد برگزار می‌شود. لالایی ارواح، یک راه حل عاشقانه، چه خواهد بودن، آن آدم و… از جمله قطعاتی است که این گروه در این شب اجرا خواهند کرد.

رازد. مدیر محترم ساختمان کاغذی «آچار» را بر دیواره آسانسور چسبانده بود و در آن کاغذ از همسایگان محترم ـ از جمله بندهـ خواسته بود «هزینه آب‌بها» را تا ۲۰ مرداد پرداخت کنیم. از ذکر امداد و انسداد تونل فارغ نشده بودم که مشغول «هزینه آب‌بها» شدم. می‌خواستم همان ساعت به منزل مدیر ساختمان مراجعه کنم و به او توضیح واضح‌تر بدهم که خانم محترم! «هزینه» و «بها» یک معنا دارند و باید می‌نوشتید: «هزینه آب» یا «آب‌بها». اما زمام نفس سرکش را در دست گرفتم و از خر شیطان پیاده شدم چون می‌دانستم دلِ «امداد و انسداد خودرو» را هم بر سر آن بنده خدا خالی خواهم کرد. حالا چند روزی است که دور از جانتان سر درد شدیدی دارم و نه استامینوفن علاج می‌کند و نه ژل‌وفن و نه جای پرننگ.

بعد از این همه فکر کردن تازه به این نتیجه رسیده‌ام که اگر همین طور پیش برویم باید به زودی فاتحه زبان فارسی را بخوانم و بروم زبان دیگری یاد بگیرم تا شاید ذهن و روحم به اندک آرامشی برسند. شاید…